

مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرایند جهانی شدن
(پیامدها برای توسعه بلندمدت و آینده‌نگر در ایران)

مؤلف: مسعود محمدی الموتی

سرشناسه	محمدی الموتی ، مسعود ، ۱۳۴۳ -
عنوان و پدیدآور	مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرایند جهانی شدن : (پیامدها برای توسعه بلندمدت و آینده‌نگر در ایران) / مسعود محمدی الموتی .
مشخصات نشر	تهران : مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ، ۱۳۸۵ .
مشخصات ظاهری	۲۸۰ ص .، جدول .
شابک	۹۶۴ - ۳۳۸ - ۱۵۴ - ۴
یادداشت	فیا
یادداشت	ص . ع . به انگلیسی . Masoud Mohammadi Alamouti . The
یادداشت	Conecept of global society and the analysis of globalization process
یادداشت	کتابنامه : ص . [۲۷۵] - ۲۸۰ ؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	جهانی شدن .
موضوع	دولت جهانی .
موضوع	ایران - - آینده‌نگری .
شناسه افزوده	مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی .
رده‌بندی کنگره	۷ م ۳۴ م / ۳۱۸ : JZ
رده‌بندی دیویی	۱۷ / ۳۲۷
شماره کتابخانه ملی	۴۲۵۵۲ - ۸۵ م



نام کتاب : مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرایند جهانی شدن

تألیف : مسعود محمدی الموتی

ناشر : مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : ۱۳۸۵

حروفچینی : لیتوگرافی ، چاپ و صحافی :

مدیریت چاپ و انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

فروشگاه و نمایشگاه دائمی کتاب : خیابان کریمخان زند - استاد نجات‌اللهی شمالی - شماره ۲۶۸

تلفکس : ۸۸۸۴۶۳۴۴

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف.....	الف
فصل اول: طبقه بندی جریانهای عمده فکری درباره جهانی شدن بر اساس مفاهیم پایه.....	۲
رویکرد سیستم جهانی.....	۲
رویکرد فرهنگ جهانی.....	۴
رویکرد جامعه جهانی.....	۴
رویکرد سرمایه داری جهانی.....	۵
رویکرد مکتب واقع گرا.....	۷
رویکرد مکتب لیبرال.....	۸
رویکرد سیستم جهانی جدید (در روابط بین الملل).....	۹
طبقه بندی این مطالعه از رویکردهای عمده به جهانی شدن.....	۱۰
فصل دوم: مفهوم جامعه بین المللی و رویکرد واقع گرا به جهانی شدن.....	۱۵
مفهوم جامعه بین المللی از دیدگاه واقع گرایان.....	۱۶
اصول مشترک رویکرد واقع گرا، جامعه بین المللی و جهانی شدن.....	۲۰
مورگنتا، نظام دولت- ملت و جهانی شدن.....	۲۹
والتر، ساختار آنارشیک جامعه بین المللی و جهانی شدن.....	۳۹
فصل سوم: رویکرد مکتب لیبرال به جهانی شدن و مفهوم جامعه بین المللی.....	۵۳
اصول مشترک مکتب لیبرال و جهانی شدن از دیدگاه جامعه بین المللی.....	۵۵
جامعه بین المللی و نحله های فکری مختلف در مکتب لیبرال.....	۶۱
کاهن و نای، وابستگی متقابل پیچیده و جهانی شدن.....	۷۶
فصل چهارم: مفهوم جامعه بین المللی و رویکرد سیستم جهانی جدید به جهانی شدن.....	۹۳
والرشتاین، سیستم جهانی جدید و جهانی شدن.....	۹۶
بعد اقتصادی تحولات سیستم جهانی جدید.....	۱۰۱
بعد سیاسی تحولات سیستم جهانی جدید.....	۱۱۲
بعد فرهنگی تحولات سیستم جهانی جدید.....	۱۱۷
چیس دان، سیستم جهانی جدید و جهانی شدن ساختاری.....	۱۲۱

فصل پنجم: نقش مفهوم جامعه بین‌المللی در تحلیل فرایند جهانی شدن	۱۲۹
واقع گرایان، جامعه بین‌المللی و جهانی شدن	۱۳۰
لیبرالها، جامعه بین‌المللی و جهانی شدن	۱۳۴
نظریه سیستم جهانی، جامعه بین‌المللی و جهانی شدن	۱۴۰
نقش مفهوم جامعه بین‌المللی در تحلیل فرایند جهانی شدن	۱۴۷
فصل ششم: مقایسه پیامدهای سیاستی پارادایم جامعه بین‌المللی برای برنامه‌ریزی توسعه	۱۶۱
پیامدهای سیاستی رویکرد واقع‌گرا به جهانی شدن	۱۶۱
پیامدهای سیاستی رویکرد لیبرال به جهانی شدن	۱۶۴
پیامدهای سیاستی رویکرد سیستم جهانی جدید به جهانی شدن	۱۶۷
چین: نمونه یک رویکرد واقع‌گرایانه به جهانی شدن	۱۷۲
۱- نگرش خوش‌بینانه	۱۷۳
۲- نگرش بدبینانه	۱۷۴
۳- نگرش واقع‌بینانه	۱۷۴
موضع مالزی در قبال جهانی شدن: رویکردی لیبرال	۱۷۶
کوبا و رویکرد سیستم جهانی به جهانی شدن	۱۷۹
فصل هفتم: فرهنگ جهانی و جهانی شدن	۱۸۳
مبانی جامعه شناختی رویکرد فرهنگ جهانی	۱۸۵
آگاهی جهانی و فرهنگ جهانی	۱۸۹
فرهنگ جهانی و دینامیسم‌های جهانی شدن	۱۹۰
جمع‌بندی درباره رویکرد فرهنگ جهانی به جهانی شدن	۲۰۱
فصل هشتم: سرمایه‌داری جهانی و جهانی شدن	۲۰۷
سیستم جهانی از روابط اجتماعی و سرمایه‌داری جهانی	۲۱۰
کارکردهای اقتصادی فراملی و سرمایه‌داری جهانی	۲۱۲
کارکردهای سیاسی فراملی و جهانی شدن سرمایه‌داری	۲۱۹
فرهنگ مصرفی و جهانی شدن سرمایه‌داری	۲۲۲
جمع‌بندی رویکرد سرمایه‌داری جهانی به جهانی شدن	۲۲۳

فصل نهم: دولت جهانی و جهانی شدن.....	۲۲۷
رویکرد دولت جهانی در یک نگاه کلی.....	۲۲۷
مفهوم جامعه جهانی و نظریه دولت جهانی.....	۲۲۹
جمع‌بندی رویکرد دولت جهانی به جهانی شدن.....	۲۳۷
فصل دهم: نقش مفهوم جامعه جهانی در تحلیل فرایند جهانی شدن.....	۲۴۱
رویکرد فرهنگ جهانی و جهانی شدن.....	۲۴۱
رویکرد سرمایه‌داری جهانی و جهانی شدن.....	۲۴۴
رویکرد دولت جهانی و جهانی شدن.....	۲۴۶
فصل یازدهم: پیامدهای سیاستی پارادایم جامعه جهانی برای توسعه آینده‌نگر در ایران.....	۲۵۱
پیامدهای سیاستی رویکرد فرهنگ جهانی به جهانی شدن.....	۲۵۱
پیامدهای سیاستی رویکرد سرمایه‌داری جهانی به جهانی شدن.....	۲۵۳
پیامدهای سیاستی رویکرد دولت جهانی به جهانی شدن.....	۲۵۶
اتحادیه اروپا و پیامدهای سیاستی پارادایم جامعه جهانی.....	۲۶۰
فصل دوازدهم: مقایسه پیامدهای سیاستی دو پارادایم جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی.....	۲۶۵
پارادوکسهای پارادایم جامعه بین‌المللی به جهانی شدن.....	۲۶۵
سازگاری پیامدهای سیاستی پارادایم جامعه جهانی برای برنامه‌ریزی توسعه.....	۲۶۸
پارادایم جامعه جهانی و یک استراتژی توسعه جهانی شده.....	۲۷۱
برگزیده‌ای از منابع.....	۲۷۵

پیشگفتار مؤلف

مبانی دانش ما درباره جهانی شدن؛ چارچوبی برای تحقیق

«دانش ما درباره جهانی شدن در اصل به چگونگی

تعریف جهانی شدن وابسته است.»^۱

«جهانی شدن یکی از محدود اصطلاحاتی است که بسیار

مورد استفاده قرار گرفته است، اما بندرت درست

تعریف شده است.»^۲

این مطالعه در پی آنست که با بازنگری انتقادی بر مبانی دانش ما درباره جهانی شدن از طریق تمرکز بر بررسی نقش دو مفهوم بنیادی^۳ «جامعه بین‌المللی» و «جامعه جهانی» در شکل‌گیری نظریه‌های جهانی شدن به دو پرسش اساسی در این زمینه پاسخ دهد. نخستین پرسش آنست که چگونه مفهوم جامعه بین‌المللی در شکل‌گیری نظریه‌های جهانی شدن نقشی اساسی ایفا کرده است؟ در قالب پاسخ به این پرسش فرضیه اول این مطالعه مبنی بر نقش اساسی مفهوم یاد شده در شکل‌گیری رویکردهای عمده در تحلیل فرایند جهانی شدن مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرد. پرسش دوم آنست که چرا مفهوم جامعه جهانی مبنای مناسبی برای دانش ما درباره جهانی شدن به شمار می‌آید؟ در چارچوب پاسخ به این پرسش فرضیه دوم این تحقیق دال بر ضرورت کاربرد مفهوم جامعه جهانی برای دستیابی به شناخت صحیح‌تر از فرایند جهانی شدن مورد سنجش و داوری قرار می‌گیرد. بر اساس پاسخ به این پرسش‌ها و داوری در مورد فرضیات یاد شده، پیامدهای سیاستی این بازنگری در معنای جهانی شدن برای یک توسعه آینده‌نگر و بلندمدت در ایران تحلیل می‌شوند.

1 - Scholte, J. A., What is globalization (2002: ۴)

2 - Giddens, A., On globalization, keynote address (1996)

۳- شایان ذکر است که در کنار تفکیک دو مفهوم «جامعه بین‌المللی» و «جامعه جهانی» باید به ضرورت تفکیک دو برداشت در درون مفهوم «جامعه جهانی» یعنی برداشتهای ضعیف و قوی از این مفهوم توجه داشت که موضوعی فراتر از این مطالعه بوده و نیازمند مطالعه‌ای مستقل است.

بررسی جریانهای فکری عمده درباره جهانی شدن نشان می‌دهد که در یک طبقه‌بندی این جریانها را به کمک دو مفهوم جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: در دسته نخست که می‌توان آن را «پارادایم جامعه بین‌المللی درباره جهانی شدن»^۴ نامید، رویکردهایی همچون مکتب واقع‌گرا، مکتب لیبرال و نظریه سیستم جهانی جدید قرار می‌گیرند که وجه مشترک آن دیدگاهها در آنست که جهانی شدن را به عنوان «فرایند گسترش ارتباطات و پیوندها بین جوامع و دولتهای ملی در یک جامعه (سیستم) بین‌المللی» تعریف می‌کنند.

مکاتب فکری یاد شده کم و بیش معتقدند که منشاء پدیده جهانی شدن، گسترش ارتباطات اقتصادی بین جوامع و دولتهای ملی بوده که به طور عمده در دهه‌های اخیر و در پی ظهور فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات روند روزافزونی یافته است. در این میان مکتب واقع‌گرا معتقد است که این گسترش ارتباطات سبب تغییر اساسی در ساختار جامعه بین‌المللی مبتنی بر نقش اصلی «دولتهای ملی» نمی‌شود. درحالی که مکتب لیبرال بر آن باور است که در اثر گسترش پیوندها، نقش نهادهای غیردولتی در جامعه بین‌المللی افزایش یافته و سبب تغییر ساختار جامعه بین‌المللی از یک ساختار مبتنی بر روابط بین دولتها به یک ساختار چندگانه می‌شود. نظریه سیستم جهانی جدید، موضوع یکپارچه‌تر شدن اقتصاد و جامعه بین‌المللی را حاصل یک فرایند تاریخی بلندمدت ناشی از شکل‌گیری اقتصاد سرمایه‌داری جهانی به شمار می‌آورد؛ اگرچه می‌پذیرد که فن‌آوری اطلاعات این یکپارچگی را تشدید کرده است. اما این مکتب فکری، گسترش پیوندها بین دولتها و جوامع را در قالب گسترش روابط بین سه بلوک از دولتهای مرکز، نیمه‌پیرامون و پیرامون تحلیل می‌کند. به گونه‌ای که گسترش روابط اقتصادی و سیاسی بین جوامع که بلوک نیمه‌پیرامون و پیرامون را در خدمت بلوک مرکز قرار می‌دهد.

در دسته دوم که می‌توان آن را «پارادایم جامعه جهانی درباره جهانی شدن»^۵ نامید، رویکردهایی همچون فرهنگ جهانی، دولت جهانی و سرمایه‌داری جهانی ملاحظه

4 - International society paradigm of globalization

5 - Global society paradigm of globalization

می‌شوند. وجه مشترک این دیدگاه‌ها آنست که بر یک تمایز اساسی بین فرایند «بین‌المللی شدن» (Internationalization) و فرایند «جهانی شدن» (Globalization) تأکید می‌کنند. بین‌المللی شدن از نظر آنها همان چیزی است که دسته اول از آن تحت عنوان گسترش پیوندها و روابط بین جوامع و دولتهای ملی یاد می‌کنند، اما جهانی شدن ناظر بر فرایند شکل‌گیری یک جامعه جهانی یا تبدیل جهان به مکان واحد برای زندگی بشر است. در پارادایم دوم جامعه بین‌المللی تنها به عنوان یکی از عناصر جامعه جهانی تلقی می‌شود و شکل‌گیری آن را می‌توان به نوعی مرحله‌ای از مراحل جهانی شدن به شمار آورد، اما نمی‌توان جهانی شدن را بر اساس این جزء تعریف و تحلیل کرد. در این دسته نیز مکاتب فکری یاد شده به طور مشترک بر این نظرند که برای تحلیل فرایند جهانی شدن باید جهان را به عنوان یک کل دید؛ اگرچه هر یک از آنها تفسیر متمایزی از منشاء جهانی شدن به عنوان فرایند تبدیل جهان به مکان واحد ارائه می‌کنند. رویکرد فرهنگ جهانی معتقد است که گسترش آگاهی از جهان به عنوان مکان واحد، منشاء اصلی جهانی شدن بوده است. در حالی که رویکرد دولت جهانی بر آن باور است که منشاء اصلی جهانی شدن را باید در تحولات سیاسی عمیقی جستجو کرد که در پی فروپاشی اتحاد شوروی سابق در جهان بوجود آمده است و در اثر این تحولات نظام دو قطبی جهان به یک نظام تک قطبی بلوک غرب به رهبری آمریکا تبدیل شده است. رویکرد سرمایه‌داری جهانی نیز شرکتهای فراملبیتی و طبقه سرمایه‌داری جهانی را عوامل اصلی جهانی شدن به شمار می‌آورد.

با توجه به نکات یاد شده در مطالعه حاضر این نکته اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت که مبنا قرار دادن مفهوم جامعه بین‌المللی به عنوان اساس دانش ما از جهانی شدن یک خطای روش‌شناختی بارز در نظریه‌پردازی درباره جهانی شدن به شمار می‌آید. در حالی که کاربرد مفهوم جامعه جهانی به مثابه یک فرض بنیادین روش‌شناختی، جهت‌گیری نظریه جهانی شدن را تصحیح می‌کند.

از آنجائی که هریک از این پارادایمها درباره جهانی شدن، پیامدهای سیاستی خاصی را برای برنامه‌ریزی توسعه کشور به همراه دارند، بررسی نقش این مفاهیم پایه به عنوان فروض بنیادی تشکیل دهنده دانش ما درباره جهانی شدن، پیامدهای سیاستی مهمی را بویژه

برای یک توسعه بلندمدت و آینده‌نگر در کشور در برخواهد داشت. در این خصوص به اجمال می‌توان گفت که در چارچوب پارادایم جامعه بین‌المللی، دانش ما از این فرایند به گونه‌ای شکل می‌گیرد که آن را تنها در قالب گسترش پیوندها و روابط با دیگر جوامع و دولتها می‌توان ارزیابی کرد و اثرات آن بر فرایند توسعه نیز در قالب این گسترش‌ها تحلیل می‌شوند. اما هنگامی که مفهوم جامعه جهانی اساس دانش جهانی شدن قرار می‌گیرد، جهانی شدن فرایندی به مراتب پیچیده‌تر و گسترده‌تر از فرایند بین‌المللی شدن به معنای گسترش پیوندها بین جوامع ملی است. در این پارادایم، جهانی شدن فرایند تبدیل جهان به مکان واحد برای زندگی بشر و به عبارت دیگر فرایند شکل‌گیری یک «نظام جهانی از روابط اجتماعی» است. بنابراین جهانی شدن به یک چالش بنیادی برای فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشورها و جوامع ملی تبدیل می‌شود که بدون یک تعامل سازنده و مناسب با آن نمی‌توان منافع ملی و توسعه بلندمدت یک کشور را تامین و تضمین نمود.

پذیرش رویکرد جامعه جهانی به جهانی شدن بدین معنی است که باید یک تحول اساسی در نگرش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود ایجاد کرد که تاکنون اغلب مبتنی بر هویت و جامعه ملی بوده‌اند، تا بتوان جوهره و عمق تحولات جهانی معاصر را درک کرده و به تعامل سازنده‌ای با آن پرداخت. بدون تردید چنین تحولی در مبانی دانش ما از جهانی شدن، پیامدهای سیاستی مهمی برای یک توسعه آینده‌نگر و بلندمدت در سه بعد فرهنگ، سیاست و اقتصاد به همراه خواهد داشت که در فصل پایانی این مطالعه بدانها اشاره خواهد شد.

برای دستیابی به اهداف این مطالعه بویژه بررسی، سنجش و داوری در مورد فرضیه‌های اصلی تحقیق یعنی نقش مهمی که مفهوم جامعه بین‌المللی تاکنون در شکل‌گیری نظریه‌های جهانی شدن ایفا کرده و تأثیری که استفاده از مفهوم جامعه جهانی بر تحلیل فرایند جهانی شدن می‌گذارد، برنامه کاری این تحقیق پس از ارائه یک طبقه‌بندی مناسب از جریانهای فکری عمده درباره جهانی شدن در فصل اول، به دو بخش اصلی زیر تقسیم شده است:

در بخش نخست، به تأثیر مفهوم جامعه بین‌المللی بر شکل‌گیری سه رویکرد عمده

معاصر به جهانی شدن یعنی رویکردهای واقع گرا، لیبرال و سیستم جهانی جدید پرداخته می‌شود. درهریک از این رویکردها محور اصلی بحث، بررسی نقش مفهوم یاد شده در شکل‌گیری تفسیر خاصی است که آن رویکرد از جهانی شدن، اعم از موافقت یا مخالفت با آن ارایه می‌دهد و در این راستا لاجرم چارچوب نظری آن رویکرد به اجمال توضیح داده می‌شود.

بدین ترتیب فصول دوم، سوم و چهارم این مطالعه به ترتیب درمورد نقش مفهوم جامعه بین‌المللی در شکل‌گیری رویکردهای مکاتب واقع گرا، لیبرال و سیستم جهانی جدید به جهانی شدن به بررسی و داوری می‌پردازند و در فصل پنجم از بخش اول این تحقیق، با توجه به نتایج سه فصل یاد شده، یک جمع‌بندی از نقش مفهوم جامعه بین‌المللی در شکل‌گیری نظریه‌های جهانی شدن ارائه می‌شود که در واقع داوری این مطالعه درباره فرضیه نخست این تحقیق می‌باشد که مدعی است این مفهوم نقش اساسی در شکل‌گیری نظریه‌های جهانی شدن داشته است. در فصل ششم یک بررسی مقایسه‌ای از پیامدهای سیاستی سه رویکرد یاد شده در پارادایم جامعه بین‌المللی به جهانی شدن برای برنامه‌ریزی توسعه ارائه می‌شود.

بخش دوم این مطالعه به بررسی و ارزیابی فرضیه دوم تحقیق می‌پردازد که کاربرد مفهوم جامعه جهانی را برای تحلیل فرایند جهانی شدن ضروری می‌داند. در فصل هفتم برای حصول هدف مطالعه به بررسی نقش فرهنگ جهانی در پارادایم جامعه جهانی پرداخته می‌شود. سپس در فصل هشتم، پارادایم مذکور از دیدگاه سرمایه‌داری جهانی با تاکید بر نقش شرکتهای فراملیتی و طبقه سرمایه‌دار جهانی در جهانی شدن تحلیل و ارزیابی می‌شود. در فصل نهم پارادایم جامعه جهانی درباره جهانی شدن از دیدگاه شکل‌گیری دولت جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دهم، جمع‌بندی این مطالعه در مورد نقش تعیین‌کننده مفهوم جامعه جهانی در تحلیل فرایند جهانی شدن ارائه می‌شود که در واقع داوری این مطالعه در مورد فرضیه دوم تحقیق می‌باشد. در فصل یازدهم پیامدهای سیاستی پارادایم جامعه جهانی به جهانی شدن برای یک توسعه بلندمدت و آینده‌نگر در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوازدهم پیامدهای سیاستی دو پارادایم جامعه

بین‌المللی و جامعه جهانی برای استراتژی توسعه کشور مقایسه می‌شوند.
به نظر می‌رسد که این پیامدهای سیاستی می‌توانند برای طراحی یک الگوی بلندمدت و آینده‌نگر توسعه ملی با رویکرد جهانی بویژه در قالب چشم‌انداز بیست ساله توسعه و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور حایز اهمیت باشند.
در پایان از همکاری خانم دکتر ملیحه شیانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و آقایان رمضان اسماعیل اسدی و رضا مرتضایی برای همکاری در انجام بخشهایی از این طرح مطالعاتی و از جناب آقای دکتر مصطفی ایمانی‌راد برای راهنمایی فرایند تحقیق و سرانجام از مسئولین مؤسسه که حمایت‌های لازم را در تصویب و اجرای این طرح مطالعاتی بعمل آورده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

مسعود محمدی الموتی

عضو هیئت علمی

۱۳۸۵